

نقش سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها

The role of parenting styles and religious orientation of their parents in anticipation of spiritual intelligence

Hosna Vafapour

Islamic Azad University, Kermanshah

Ali Molaei Pardeh

Razi University

Dr. Asieh Moradi

Associate Professor at Razi University

Parvaneh Karimi *

Coach of Razi University

حسنا وفاپور

مری دانشگاه آزاد اسلامی کرمانشاه

علی مولایی پارده

مری دانشگاه رازی

دکتر آسیه مرادی

دانشیار دانشگاه رازی

پروانه کریمی نویسنده مسئول

مری دانشگاه رازی

چکیده

پدران و مادران در طیف وسیعی از ویژگیهای لازم برای فرزندپروری با هم متفاوتند و ترکیبهای متفاوت شیوههای فرزندپروری پدران و مادران با سازگاری و سلامت ویژگیهای شخصیتی فرزندان آنها ارتباط دارد. در واقع از عوامل محیطی قوی که رابطه با هوش معنوی فرزندان دارد و می تواند عملکرد خانواده، سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی را ذکر کرد. بنابراین پژوهش حاضر به بررسی نقش سبک های فرزندپروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها پرداخته است. پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می باشد. جامعه آماری شامل کلیه دانش آموزان شهر کرمانشاه که در سال ۱۳۹۳ مشغول تحصیل بودند نمونه ای به حجم ۲۱۴ نفر به شیوه نمونه گیری خوشه ای از میان آنها انتخاب گردید. برای گردآوری داده ها از پرسشنامه سبک های فرزند پروری، جهت گیری مذهبی و مقیاس هوش معنوی استفاده گردید. یافته های پژوهش نشان داد که بین سبک فرزند پروری مستبدانه با هوش معنوی رابطه منفی و معناداری وجود دارد و بین سبک فرزند پروری مقتدرانه و جهت گیری مذهبی با هوش معنوی رابطه مثبت و معنا داری به دست آمد. با توجه به یافته های پژوهش می توان نتیجه گرفت که سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها نقش دارد.

واژه های کلیدی: هوش معنوی، سبک های فرزند پروری، جهت گیری مذهبی

Abstract

And mothers on a range of criteria and a combination of different parenting styles parenting paternal and maternal personality traits and health of their children is associated with adaptation. In fact, the strong environmental factors that could be associated with spiritual intelligence, children, and family functioning, parenting styles and religious orientation cited. The present study examines the role of parenting styles and religious orientation of their parents expect them has spiritual intelligence. This research is descriptive and correlation. The sample included all students in Kermanshah in 1393 were studying a sample of 214 teachers cluster sampling were selected from among them. To collect data from questionnaires parenting styles, religious orientation and spiritual intelligence scale was used. The findings showed that between authoritarian parenting style with spiritual intelligence and there is a significant negative relationship And between authoritative parenting style and religious orientation, spiritual intelligence and a significant positive correlation was obtained. According to the results, it can be concluded that the parents' parenting styles and religious orientation in anticipation of spiritual intelligence contribute to their children.

Keywords: intelligence, spirituality, parenting styles, religious orientation

مقدمه

خانواده اولین و مهم ترین نظام ارتباطی برای کودکان به شمار می رود و همه اعضای خانواده در سلامت روانی مهم هستند، چون خانواده منبع اصلی مراقبت و حمایت است (ویدمر، کمپف، ساپین و کارمیناتی، ۲۰۱۳). در این میان والدین به عنوان اولین عامل اجتماعی کردن کودکان نقش مهمی در تحول روانی و اجتماعی کودکان برعهده دارند (گرولینگ، ۲۰۰۹). نقش و تاثیر خانواده بر شکل گیری

نقش سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها
The role of parenting styles and religious orientation of their parents in anticipation of spiritual intelligence

شخصیت به طور عمده در سه محور تاثیر سبک فرزند پروری، تاثیر سایر اعضای خانواده و تربیت تولد فرزندان مورد توجه واقع شده است (ویک نلسون، ۲۰۰۹). هر خانواده روش های ویژه ای را در تربیت فردی و اجتماعی فرزندان خویش به کار می گیرد که به این روش ها سبک های فرزند پروری گفته می شود. سبک های فرزند پروری الگوهایی از پرورش فرزندان است که از تعامل بهنجار والدین و پاسخ آنها به رفتار فرزندان شکل می گیرد. سبک های فرزند پروری یکی از مولفه های اساسی در تحول و تربیت فرزندان است و اغلب در ارتباط با مهم ترین دستاوردهای فرزندان مانند توانایی های شناختی و اجتماعی آنها دارد و زمینه ساز بسیاری از ابعاد شخصیتی، نگرش ها، احساس ها و عادت های افراد است (دسجردین، زدنسکی و کاپلان، ۲۰۰۸).

سبک های فرزند پروری به عنوان گرایش ها و رفتارهای والدین نسبت به کودکانشان مفهوم سازی شده است که یک بافت و فضا را برای رفتار والدین در موقعیت های مختلف فراهم می آورد (هاو، دوباس، گرنیس، واندرلن و همکاران، ۲۰۱۱). براساس میزان گرمی و کنترل، سه نوع از سبک های فرزند پروری مطرح می شود: سبک فرزند پروری مقتدرانه، سبک فرزند پروری مستبدانه و سبک فرزند پروری سهل انگار (هارو، اتن، دی وریس و انگلس، ۲۰۱۰). والدین خود رای و مستبد سعی می کنند رفتار کودکانشان را مطابق با مجموعه ای از معیارها شکل دهند و کنترل و ارزیابی کنند. در این سبک تبعیت بی قید و شرط از قدرت مورد تاکید است و بدون هیچ گونه توضیحی دستورات باید پذیرفته شوند. در سبک فرزند پروری استبدادی والدین مطالبه گر هستند و پاسخگو نیستند. در شیوه فرزند پروری مقتدرانه، معیارهای حاکم بر خانواده روشن و صریح بوده، ارائه هر گونه استدلال و تبیین صرفاً جهت تاثیر گذاری بر رفتار کودک است. این والدین قاطع هستند، اما نظرهای کودک را مورد توجه قرار می دهند. حقوق کودک پذیرفتنی است و والدین کودک بیشتر حمایتی اند تا تنبیه کننده. در این سبک والدین هم مطالبه گر و هم پاسخگو هستند (کرامر، ۲۰۱۱). والدین سهل گیر فرزندان خود را تحت نظارت نداشته و از آن ها توقعی ندارند و در تنبیه یا پاداش دادن به رفتارهای فرزندان خود چندان جدی نیستند (امیر، اصغری نکاح و طیبی، ۱۳۹۱). در ارتباط با سبک های فرزند پروری، کودکانی که والدین مقتدر دارند خودکارآمدی، خودنظم بخشی و پختگی هیجانی بیشتری را نشان داده اند. در مقابل، کودکان با والدین مستبد و والدین سهل انگار چنین شرایطی را تجربه نکرده اند (توفام، تایت، ورتلج، پیچ و همکاران، ۲۰۱۱). از لحاظ نظری، انضباط خشن و سخت گیرانه حاکم بر خانواده، ضعف در روابط بین والدین، ضعف در نظارت، تناقض در قواعد انضباطی در میان عوامل خانوادگی مرتبط با بزهکاری و رفتار مجرمانه قرار دارد (هاو و همکاران، ۲۰۱۱).

بنابراین عملکرد خانواده یکی از شاخص های مهم تضمین کننده ی زندگی و سلامت روانی خانواده و اعضای آن است رابطه منفی آنان به عنوان یکی از مهمترین عوامل ایجاد کننده و نگهدارنده اختلالات روحی و هیجانی افراد مطرح می شود، تحقیقات نشان دادند در خانواده هایی که ارتباط میان اعضا و تعاملات داخل خانواده بر اساس نزدیکی و صمیمیت و تفاهم بین افراد استوار است همه ی اعضا نسبتاً علیه فشار های زندگی مقاوم و مصون هستند، عملکرد خانواده با سلامت روانی اعضا ارتباط دارد و بین عملکرد ضعیف خانواده و ابتلای فرزندان به علائم جسمی، اضطراب، اختلال خواب، افسردگی و اختلال در کار کرد اجتماعی رابطه معناداری وجود دارد (قمری و همکاران، ۱۳۹۰).

در حوزه روانشناسی، آلپورت نخستین محقق است که جهت گیری مذهبی را مورد بررسی قرار داده است. مقصود اصلی آلپورت از جهت گیری مذهبی، ترکیبی از باورهای مذهبی، رفتارها و انگیزه بود (مک کرمیک، ۲۰۰۹). جهت گیری مذهبی میزان گرایش ها، باورها و آمادگی فرد برای رفتار دینی است و به رهاورد کلی شخص اطلاق می شود که از دین گرفته است (حیدر نژاد، ۱۳۸۹). جهت گیری مذهبی درونی با افزایش سلامت روانی و کاهش اختلالات روانی از جمله اضطراب و افسردگی ارتباط مثبت دارد (بهرامی احسان و تاشک، ۱۳۸۳). هوش معنوی به معنای درک مسائل عمیق وجودی و معنوی که بر نوعی آگاهی از ارتباط با خداوند، با دیگر انسان ها، با عالم هستی و با همه ی موجودات است که به فرد کمک می کند اطلاعات معنوی خود را با موقعیت های بیرونی ادغام کند و به سازگاری دست یابد (ویگان، ۲۰۰۲). بنابراین هوش معنوی را توانایی تجربه شده ای می دانند که به افراد امکان دست یابی به دانش و فهم بیشتر را می دهد و زمینه را برای رسیدن به کمال و ترقی در زندگی فراهم می سازد (جان و پرویت، ۲۰۰۶). در واقع هوش معنوی با زندگی درونی ذهنی و نفس و ارتباط آن با جهان رابطه دارد و ظرفیت فهم عمیق سوالات وجودی و بینش نسبت به سطوح چندگانه هوشیاری را شامل می شود (دیویی، راجیش، ۲۰۱۶). هوش معنوی، بالاترین سطوح رشد در حیطه های مختلف شناختی، اخلاقی، هیجانی و بین فردی را شامل می شود و فرد را در جهت هماهنگی با پدیده های اطرافش و دست یابی به یکپارچگی درونی و بیرونی یاری می کند (یانگ و ماو، ۲۰۰۷). بنابراین با توجه به مطالب بیان شده هدف این پژوهش بررسی رابطه بین سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی با هوش معنوی بود.

روش

پژوهش حاضر توصیفی از نوع همبستگی می‌باشد. جامعه‌ی آماری شامل کلیه دانش‌آموزان مقطع ابتدای شهر کرمانشاه که در سال تحصیلی ۱۳۹۳ در دبستان‌های این شهر مشغول تحصیل بوده نمونه‌ای به حجم ۲۱۴ نفر به شیوه‌ی نمونه‌گیری خوشه‌ای از میان آنها انتخاب گردید.

ابزار

در پژوهش حاضر از سه پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری، جهت‌گیری مذهبی و هوش معنوی استفاده شده است که در زیر به معرفی هر یک می‌پردازیم.

پرسشنامه سبک‌های فرزند پروری: این ابزار اکتباسی است از نظریه اقتدار والدین که بر اساس نظریه بامریند^۱ (۱۹۷۳)، از سه الگوی آزاد گرانه، آمرانه و اقتدار منطقی والدین جهت بررسی الگوی نفوذ و شیوه‌های فرزند پروری، ساخته شده است. این پرسشنامه ۳۰ سوال دارد ۱۰ سوال آن به شیوه‌ی آزادگذاری مطلق ۱۰ سوال به شیوه‌ی آمرانه و ۱۰ سوال دیگر به شیوه‌ی اقتدار منطقی والدین به امر پرورش فرزند مربوط می‌شود. قبلاً توسط دیگران مورد استفاده قرار گرفته است اعتبار بازآزمایی این پرسشنامه را برای سهل‌گیرانه ۰/۶۹، برای آمرانه ۰/۷۷ و برای اقتدار منطقی ۰/۷۳ گزارش کرده است (ساعت‌چی و همکاران، ۱۳۹۰).

- پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی آلپورت^۲: این پرسشنامه مذهبی یک پرسشنامه ۲۰ گزینه‌ای است که ۱۱ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی بیرونی و ۹ گزینه آن به جهت‌گیری مذهبی درونی اختصاص دارد. سپس فگین^۳ (۱۹۶۳)، یک نسخه ۲۱ گزینه‌ای ارائه نمود که تمام گزینه‌های آلپورت را با اضافه یک گزینه دیگر در بر می‌گیرد. این گزینه همبستگی مثبت بالایی (۰/۶۱) با «مقیاس بیرونی آلپورت» داشت. از آن به بعد نسخه فگین بیشتر مورد استفاده قرار گرفته است. در مطالعات فگین همبستگی بین جهت‌گیری درونی و بیرونی (۰/۲) بود که به همبستگی محاسبه شده آلپورت (۰/۲۱) بسیار نزدیک می‌باشد. برای سنجش «روایی» این آزمون در ایران پرسشنامه جهت‌گیری مذهبی درونی و بیرونی فگین به فارسی ترجمه شده و صحت آن از طریق بازخوانی توسط متخصصین دیگر و ترجمه دوباره آن به انگلیسی تصحیح گردید. اعتبار پرسشنامه توسط جان بزرگی (۱۳۷۸) در یک گروه ۲۳۵ نفری از دانشجویان دانشگاه‌های استان تهران بر اساس آلفای کرونباخ به میزان ۰/۷۳۷ مورد تایید قرار گرفت. در اجرای این آزمون محدودیت زمانی وجود ندارد (خداپناهی و خاکسار بلداجی، ۱۳۸۴).

مقیاس خودگزارشی هوش معنوی: این پرسشنامه که توسط کینگ^۴ ساخته شده است، دارای ۲۴ آیتم می‌باشد. این پرسشنامه بر اساس مقیاس ۵ گزینه‌ای لیکرت پر می‌شود. نمرات بالا نشان دهنده هوش معنوی بالا و یا وجود چنین ظرفیتی است. با استفاده از تحلیل عاملی اکتشافی (Exploratory Factor Analysis) در یک نمونه ۶۱۹ نفری از دانشجویان دانشگاه ترنت کانادا در سال ۲۰۰۷ آلفای کرونباخ ۰/۹۵ و پایایی از طریق تنصیف ۰/۸۴ به دست آمد. در یک مطالعه دیگر با استفاده از روش تحلیل عاملی تاییدی (Confirmatory Factor Analysis) آلفای کرونباخ ۰/۹۲ و آلفای استاندارد شده نیز ۰/۹۲ به دست آمد.

همچنین در مطالعه رجهب^۴ و همکاران ضریب آلفای کرونباخ پرسشنامه ۰/۸۹، همچنین ضریب اعتبار پرسشنامه‌ی هوش معنوی از طریق بازآزمایی در یک نمونه ۷۰ نفری به فاصله زمانی متوسط ۲ هفته ۰/۶۷ محاسبه شد.

یافته‌ها

پس از از تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار SPSS رابطه‌ی معنادار بین داده‌ها یافت شد که با توجه به جدول‌ها نتایج را تفسیر خواهیم کرد.

1. Bamrynd
- Allports Religion Orientation Questionnaire^۲
- Feagin^۳
4. Raghbi

جدول ۱_ ماتریس همبستگی متغیرها

متغیرها	شاخص های آماری	هوش معنوی
سبک فرزند پروری آسان گیر	همبستگی	-۰/۰۹
	سطح معناداری	۰/۱۸
سبک فرزند پروری مستبدانه	همبستگی	-۰/۲۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
سبک فرزند پروری مقتدرانه	همبستگی	۰/۲۴
	سطح معناداری	۰/۰۰۱
جهت گیری مذهبی	همبستگی	۰/۲۷
	سطح معناداری	۰/۰۰۱

نتایج پژوهش نشان می دهد که بین سبک فرزند آسان گیر با هوش معنوی فرزندان رابطه ای وجود ندارد. همچنین بین سبک فرزند پروری مستبدانه با هوش معنوی رابطه ی منفی و معناداری وجود دارد ($r = -0.27$) که در سطح $p < 0/001$ معنادار است. همچنین بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با هوش معنوی رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد ($r = 0/24$) سطح $p < 0/001$ معنادار است. بین جهت گیری مذهبی و هوش معنوی رابطه ی مثبت و معناداری وجود دارد ($r = 0/27$) سطح $p < 0/001$ معنادار است

جدول ۲ نتایج تحلیل رگرسیون همزمان برای پیش بینی هوش معنوی از طریق سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی

متغیر ملاک	R	R2	F	متغیر پیش بین	B	β	T	Sig
هوش معنوی	۰/۴۴	۰/۱۹	۱۲/۵۲	جهت گیری مذهبی	۰/۶۰	۰/۲۸	۴/۲۳	۰/۰۰۱
				سبک فرزند پروری مقتدرانه	۰/۴۱	۰/۱۴	۲/۱۷	۰/۰۳
				سبک فرزند پروری مستبدانه	-۰/۷۵	-۰/۳۰	-۴/۶۷	۰/۰۰۱
				سبک فرزند پروری آسان گیرانه	-۰/۰۰۸	-۰/۰۰۳	-۰/۰۴	۰/۹۷

نتایج تجزیه و تحلیل داده ها نشان می دهد که ضریب همبستگی چند گانه بین متغیرها 0/44 است. همچنین مدل استفاده شده برای پیش بینی هوش معنوی براساس متغیرهای پیش بین (سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی) با ضریب تعیین 0/19 توان پیش بینی متغیر ملاک (هوش معنوی) را دارند از بین متغیرهای پیش بین سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی (جهت گیری مذهبی با ضریب 0/28 می تواند هوش معنوی را پیش بینی کند. همچنین سبک فرزند پروری مقتدرانه با ضریب تاثیر 0/14 و سبک فرزند پروری مستبدانه با ضریب تاثیر 0/30- می تواند هوش معنوی را پیش بینی کند. اما سبک فرزند پروری آسانگیرانه توان پیش بینی هوش معنوی را ندارد.

بحث و نتیجه گیری

باتوجه به یافته های تحقیق می توان گفت که بین سبک فرزند پروری آسان گیر با هوش معنوی فرزندان رابطه ای وجود ندارد، شاید بتوان گفت که چون والدین آسان گیر در تربیت فرزندانشان دخالت زیادی ندارند بین سبک آسانگیر و هوش معنوی رابطه ای یافت نشده است. همچنین بین سبک فرزند پروری مستبدانه با هوش معنوی رابطه ی منفی و معناداری وجود که به نظر می رسد یکی از دلایل آن استبداد این والدین در تبعیت کامل از عقاید و باورهای خود والدین باشد و بین سبک فرزند پروری مقتدرانه با هوش معنوی رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد، به نظر می رسد سبک مقتدرانه به علت نقش مشاور داشتن و راهنما بودن والدین و هدایت فرزندانشان موجب می شوند فرزندان شان به سمت کسب هوش معنوی بروند یا هوش معنوی شان افزایش یابد و بین جهت گیری مذهبی و هوش معنوی رابطه ی مثبت و معنا داری وجود دارد. همان طوری که ملاحظه شد هوش معنوی مفهوم نسبتاً که در روان شناسی مطرح شده است. این مفهوم در واقع ناشی از یک نگاه نوین در روانشناسی یعنی توجه به معنویت است. امروزه توجه به دیدگاه ها و فلسفه شرقی مانند بودائیسیم و فلسفه وجودی در روانشناسی غرب گسترش یافته است و حتی شیوه های نوین از روانی درمانی براساس فلسفه مشرق زمین و معنویت مورد توجه قرار گرفته است. برای نمونه روان درمان یکپارچه معنوی (پارگامنت^۱، ۲۰۰۷)

مطرح شدن این هوش معنوی تحت تاثیر این موج معنوی گرایی به عنوان یک ساز می تواند ظرفیت های جدید را در روانشناسی دین فراهم آورد. ایمونز^۲ (۲۰۰۰) عنوان میکند که هوش معنوی می تواند که مطالعات پراکنده در خصوص دین و معنویت را یکپارچه سازد و تحقیقات جدیدی را در مورد پایه معنوی رفتار فراهم آورد. البته این مسئله که تحقیقات مربوط به روانشناسی دین هنوز به انسجام نرسیده است درست است. اما آیا هوش معنوی می تواند چهار چوب نظری مناسبی برای گرد آوری این تحقیقات و فعالیت ها فراهم کند؟

همان طور که در این تحقیق مشخص شد بین سبک فرزند پروری والدین و جهت گیری مذهبی آنها رابطه وجود دارد و این با تحقیقات (هرویتز، ۲۰۰۳) و اسپیلکا^۳ و همکاران (۲۰۰۳) هماهنگ است. آنها در توضیح میدهند که برخی فرقه های مذهبی باسبک تربیتی (سبک فرزند پروری) اعمال شده از سوی والدین رابطه وجود دارد؛ به عنوان مثال والدین فرقه خاصی مانند اتدوکس سبک تربیتی استبدادی را ترجیح می دهند و در سبک تربیتی خود از تنبیه بدنی و زور گویی استفاده می کنند. این پژوهشگران معتقد هستند که برخی فرقه های خاص با اجبار کودکان به اطاعت، آموزه های دینی را به آنها منتقل می کنند این نتایج در ایران توسط برجعلی (۱۳۷۸) و شهبازی زاده تایید شده است. به عنوان نکته آخر یاد تاکید کرد که ضمن اینکه یاد در تعمیم نتایج پژوهش حاضر احتیاط لازم را به عمل آوریم ممکن است رابطه به دست آمده مربوط به میزان تحصیلات والدین، پایگاه اجتماعی- فرهنگی آنان، فرهنگ حاکم بر جامعه و غیر... باشد بدیهی است که مطالعات فوق و پژوهش های آیند به این سوالات پاسخ خواهند داد.

منابع

- برجعلی، احمد، (۱۳۸۷). تاثیر سازگاری و الگوهای فرزند پروری والدین بر تحول روانی اجتماعی دانش آموزان دبیرستانهای شهر تهران، پایان نامه دانشگاه علامه.
- امیر، فاطمه؛ حسین آبادی، حسین؛ طیبی، زهرا و اصغری نکاح، سیدمحسن (۱۳۹۱). اثربخشی بازی درمانی مبتنی بر رابطه والد- کودک بر سبک های فرزندپروری. مشاوره و رواندرمانی خانواده، ۱(۴)، ۴۸۹-۴۷۳.
- قمری، محمد؛ خوشنام، امیر حسین؛ (۱۳۹۰). بررسی رابطه عملکرد خانواده اصلی و کیفیت زندگی در بین دانشجویان، فصلنامه خانواده پژوهی سال هفتم شماره ۲۷، ص؛ ۳۴۶.
- حیدرزاد، احمد (۱۳۸۹). بررسی نقش دین و دین باوری در کاهش گرایش دانش آموزان شاهد و ایثارگر به انحرافات در مدارس متوسطه خراسان جنوبی. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی تربیتی. دانشگاه آزاد اسلامی بیرجند.

1. Pargamnt
2. Aymvnz
3. Hrvytz
4. Aspylka

نقش سبک های فرزند پروری و جهت گیری مذهبی والدین در پیش بینی هوش معنوی فرزندان آنها
 The role of parenting styles and religious orientation of their parents in anticipation of spiritual intelligence

بهرامی احسان، هادی؛ تاشک، آناهیتا. ابعاد رابطه ی میان جهت گیری مذهبی و سلامت روانی و ارزیابی مقیاس جهت گیری مذهبی. مجله روان شناسی و علوم تربیتی، شماره ۲، ۱۳۸۳، ۶۳-۴۱.

ساعتچی، محمود؛ کامکاری، کامبیز؛ عسگرایان، مهناز. (۱۳۹۰). آزمون های روان شناختی ص: ۲۰۵، ۲۰۲ و ۲۴۳. خداپناهی، محمدکریم؛ خاکساربلداجی، محمدعلی. رابطه جهت گیری مذهبی و سازگاری روانشناختی در دانشجویان. مجله ی روانشناسی، شماره ۳۱۰-۳۲۰، ۱۳۸۴، ۳۱۰.

- Cramer, P. (2011) "Young Adult Narcissism: A 20 Year Longitudinal Study of the Contribution of Parenting Styles, Preschool Precursors of Narcissism, and Denial". *Journal of Research in Personality*, No. 45 (1), p. 19-28.
- Desjerdins J, Zdenski JM, Coplan RJ. An Investigation of maternal personality, parenting styles, and subjective well-being. *Personality and Individual Differences*, 2008; 44(3):587-597.
- Devi RK, Rajesh NV, Devi MA. study of spiritualintelligence and adjustment among arts and sciencecollege students. *J Relig Health*. 2016:1-11.
- Emmons, R.A.(2000). Is spirituality an intelligence? Motivation, cognition and the psychology of ultimate concern. *The international Journal for the psychology of Religion*, 10(1), 3-26.
- Grolnick WS. The Role of parents in facilitating autonomous self-regulation for education. *Theory Res Soc Educ*. 2009; 7(2):164-173.
- Hoeve, M. Dubas, J.S. Gerris, J. R.M. Van DerLaan, Peter, H. & et al. (2011) "Maternal and Paternal Parenting Styles: Unique and Combined Link s to Adolescent and Early Adult Delinquency". *Journal of Adolescence*, No. 34 (5), p. 813-827.
- Huver, R. ME. Otten, Roy. deVris, Hien & Engles, Rutger CME. (2010) "Personality and Parenting Style in Parents of Adolescents".
- Jain M, Purohit P. Spiritual intelligence: Acontemporary concern with regard to living status of thesenior citizens. *J Indian Acad Appl Psychol*.2006;32(3):227-33.
- McCormick, J, 2009, Religious orientation and locus of control, Presented at the AustralianAssociation for Research in Education Annual Conference, 4-7 December, Sydney, p. 22-24.
- Pargament, K. I. , & saunders,S. M. (2007). Introduction to the special issue on spirituality and psychotherapy. *Journal of Clinical Psychology* 63(10), 903- 907.
- Topham, Glade L. Tait, Laura Hubbs. Rutledge, Julie M. Page, Melanie, C. & et al. (2011) "Parenting Styles, Parental Response to Child Emotion, and Family Emotional Responsiveness Are Related to Child Emotional Eating". *Appetite* No. 56 (2), p. 261-264.
- Vaughan F. What is spiritual intelligence? *JHum Psyc* 2002; 42(2): 16-33.
- Wick-Nelson R, Israel AC. *Abnormal child and adolescent psychology*. NewJersy: Pearson Education; 2009.
- Widmer ED, Kempf N, Sapin M, Galli-Carminati G. Family beyond parents? An Exploration of family configurations and psychological adjustment in young adults with intellectual disabilities. *Res Dev Disabil*, 2013; 34(1):207-217.
- Yang KP, Mao XY. A study of nurses' spiritual intelligence: a cross-sectionalquestionnaire survey. *Int J Nurs Stud* 2007; 44(6):999-1010

